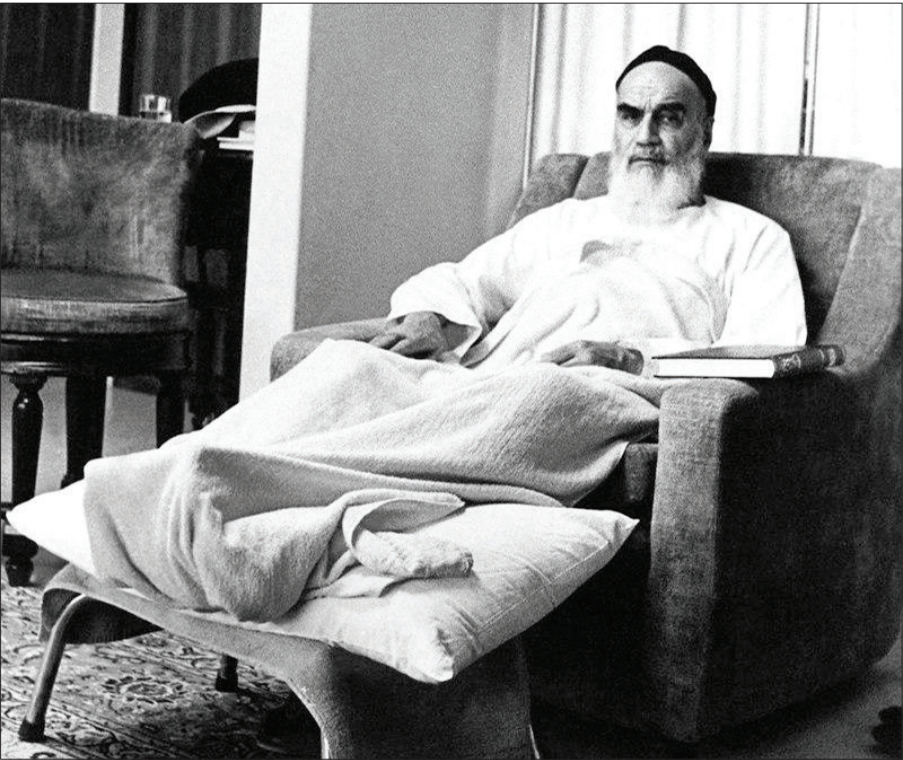
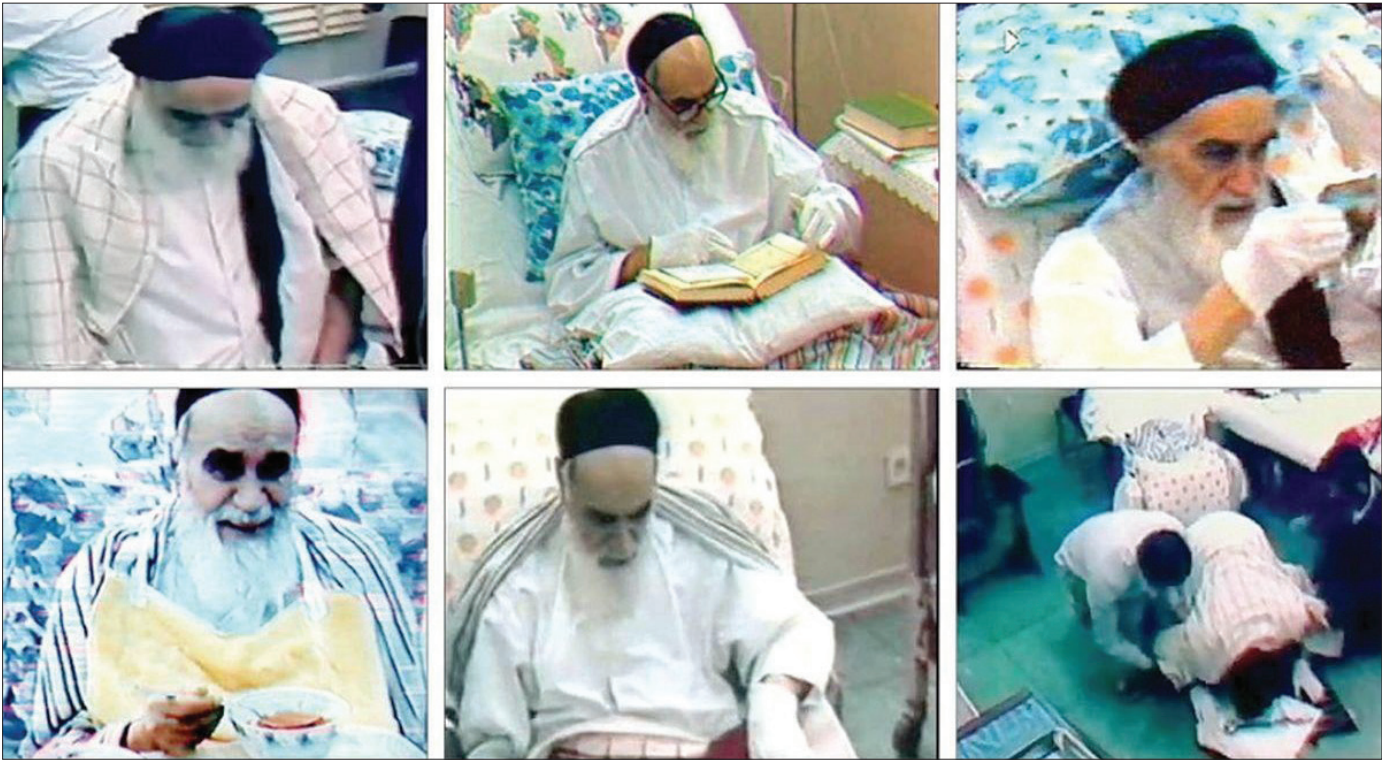


دکتر خوش نویس، پزشک معالج امام خمینی (ره):

امام از سال ۶۳ تحت مراقبت‌های ویژه قلب بودند



شما در کادر درمان امام خمینی(ره) بودید. از آن روزها بگوئید که امام بستری شدند و چطور شد که شما به‌عنوان اعضای کادر درمان امام انتخاب شدید؟

امام از پاریس به ایران آمدند، بیماری خاصی داشتند که بلافاصله تیم پزشکی همه جا در کنار امام قرار گرفت و آقای دکتر عارفی هم مسئول تیم پزشکی امام در همه جا همراه‌شان بودند. امام در ابتدای بازگشت به ایران در قم ساکن شد. اما در آنجا، شبی دچار مشکل قلبی می‌شوند و ایشان را بلافاصله از قم به تهران می‌آورند، آن زمان در کل کشور دو مرکز قلب بیشتر نبود، یکی بیمارستان قلب شهید رجایی، یکی هم بیمارستان امام خمینی.

امام را در بیمارستان شهید رجایی بستری کردند اما پیشنهاد پزشکان این بود که در تهران بمانند تا اگر مشکلی پیش آمد سریع به بیمارستان برسانند. به همین خاطر به مدت دو هفته در یک خانه مصادره‌ای اقامت کردند ولی ناراحت بودند و می‌گفتند اینجا طاغوتی است، من حال و حوصله زندگی در این فضاها را ندارم. یک خانه‌ای مانند خانه فلاں روحانی، اسم می‌برند و مثلاً می‌گویند پدر آقای رسولی محلّاتی مناسب است و اگر چنین جای ساده‌ای برای من پیدا کردید، من تهران می‌مانم. لذا حسینه جماران برای امام فراهم شد که پشت آن هم یک خانه بود و اسام به راحتی رفت و آمد داشتند و دیدارهای عمومی و خصوصی خودشان را آنجا انجام می‌دادند.

امام که در جماران مستقر می‌شوند، بعضی از مسئولان می‌گویند اگر دوباره امام به بیمارستان قلب شهید رجایی نیاز داشته باشند، هم برای مردم مشکل ساز است هم برای خود امام؛ چون یک جای عمومی بود و همچنین هر روز هم یکی رنگ می‌زد و اظهار می‌کردند که فلاں جا بمب گذاری شده است و... و امام در معرض خطر بودند. لذا تصمیم گرفته شد که در کنار خانه امام یک بیمارستان ساخته شود و مسئولیت آن هم با مرحوم سیداحمد خمینی بود. امام هم مطلع نبودند چون امام به‌شدت مخالف این مسائل بود. در حین ساخت بیمارستان نیز به علت نزدیکی آن با منزل امام، در پاسخ به سوال ایشان درباره احداث این محل اظهار می‌شد که این محل درمانگاه است و مخصوص پاسدارانی است که در آنجا کشیک داشتند. این بیمارستان با همه امکانات در سال ۶۳ آماده می‌شود و از نظر ساختمانی، فیزیکی، فضای فیزیکی، تجهیزات همه به حالت آماده‌به کار قرار داشتند که اگر اتفاقی در خانه برای امام افتاد بلافاصله به ایشان رسیدگی شود. در همه‌خانه امام هم رنگ‌هایی تعبیه شده بود و با فشردن آن بلافاصله تیم پزشکی بالای سر امام حاضر می‌شد. فروردین ماه سال ۶۵ بود که امام داخل منزل‌شان دچار سکنه قلبی و ایست قلبی شدند که بلافاصله یک تیم درمانی عملیات احیا را شروع کردند که موفقیت‌آمیز بود. اگر این بیمارستان و این امکانات آنجا نبود، امام سال ۶۵ از دنیا می‌رفتند. معمولاً مرضی که ایست قلبی می‌کند، ما دو یا سه دقیقه زمان داریم که ایشان را احیا کنیم اما درمورد امام نزدیک به ۹ الی ۱۰ دقیقه احیا طول کشید و گروه دکتر پورمقدس، تقریباً ناامید شده بودند ولی خداوند می‌خواهد که امام برگردند و در تاریخ پزشکی این مورد یکی از معجزات است. خدا خواسته بود که این انقلاب در آن زمان متوقف نشود، وقتی شما سیر انقلاب را بررسی می‌کنید می‌بینید که در آن زمان اگر امام از دست می‌رفت شاید بدترین زمان از نظر روند انقلاب و برای آینده مملکت بود.

از آن زمان حضرت امام نیاز پیدا کردند که مراقبت‌های ویژه‌ای داشته باشند و کادر قوی‌تر شود. پس از ۲۶ روز بستری، امام به منزل منتقل شدند و چون ریتم قلبی امام دچار تغییراتی می‌شد، لازم بود که ریتم قلبی کنترل شود. این ریتم قلبی را چگونه باید کنترل کنند؟ آن موقع به لحاظ وسایل هم خیلی محدودیت داشتیم و مثل الان نبود، آمدند یک

سبک زندگی امام خمینی(ره) به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین رهبران سیاسی و اجتماعی در قرن اخیر، همیشه محل کنجکاوی بوده است و بنا به میزان ارتباطی که آدم‌ها با این شخصیت تاریخی داشته و دارند، لحظات زندگی و تصمیمات رهبرکبیر انقلاب به‌عنوان الگوی یک زیست توحیدی همواره محل بررسی است. یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخی زندگی امام(ره) لحظات پایانی عمر ایشان است. محمدعلی خوشنویس به مدت سه سال، یکی از اعضای کادر درمان امام خمینی(ره) بود که تا آخرین ثانیه‌ها در کنار امام حضور داشت. خوشنویس دکتری پرستاری دارد و اکنون در بیمارستان بقیه‌الله تدریس می‌کند.

بنا به گفته تیم درمانی امام خمینی(ره) در روزهای پایانی اردیبهشت سال ۱۳۶۸، امام از ناراحتی معده رنج می‌برد و گاه ضعف و بی‌حالی به او غلبه می‌کند. بعد از انجام معاینات مقدماتی، معلوم می‌شود که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به سرطان بدخیمی مبتلاست؛ سرطانی که باعث خونریزی فعال در معده شده. تصمیم‌گیری برای تیم پزشکی کار ساده‌ای نیست. آنها نگران بیماری قلبی امام خمینی و همچنین سن بالای ایشان نیز هستند که می‌تواند در روند درمان مشکلات زیادی به وجود آورد، اما چاره‌ای نیست و بهترین اقدام در این شرایط، جراحی است. موضوع

سال سن داشتند و با این سن فشارهای مختلفی را تحمل می‌کردند، این همه نفوذی‌هایی که گاهی پیش حضرت امام می‌آمدند، کنترل اینها کار ساده‌ای نبود.

اعتماد امام به تیم پزشکی تا چه اندازه‌ای بود؟ عمل امام به توصیه پزشکان تا چه حد بود؟

از اردیبهشت‌ماه ۶۸ سیر تشخیص بیماری امام شروع می‌شود و پس از آزمایش‌ها پزشکان متوجه شدند که امام مبتلا به یک سرطان بسیار بدخیم لنفوم دستگاه گوارش شده‌اند. در معده امام خونریزی وجود داشت و قدم اول عمل ایشان بود. برای انجام این عمل جراحی خیلی بررسی‌ها شد و در آن شرایط امام پرمردی بود نزدیک به ۸۰ سال سن که سابقه بیماری قلبی هم دارند. لذا خیلی سخت بود که بیهوش شوند و بخواهند عمل به این سنگینی انجام بدهند، ولی درنهایت پزشکان این تصمیم را می‌گیرند و با سران قوای آن زمان صحبت می‌کنند. اما مهم‌تر آن بود که به خود امام بگویند. پس از طرح موضوع امام می‌پذیرند و در این زمینه به‌شدت تابع دستورات پزشکان بودند، به‌طوری‌که تمام پزشکانی که با امام کار کردند می‌گفتند: ایشان بهترین بیماری بود که معالجه کردیم. امام برای عمل دو تا شرط می‌گذارند: ۱. من برای عمل به خارج از کشور نمی‌روم همین جا عمل کنید. ۲. به هیچ‌عنوان پزشک خارجی هم قبول نمی‌کنم.

الحمدلله بعد از عمل هیچ اتفاقی برای امام نیفتاد و دوسوم معده امام را برداشتند و بعد از عمل هم به مراقبت‌های ویژه منتقل شدند. برای عمل بیش از ۱۰۰ ساعت بررسی و مشاوره صورت گرفت اما الان نظرات زیادی می‌دهند که اگر امام عمل نمی‌شدند ۱۰ سال دیگر هم زنده بودند ولی توجه ندارند که اگر امام یک فرد عادی جامعه بود عمل جراحی لازم نبود ولی ایشان در جایگاه ویژه‌ای قرار داشتند.

مشکل گوارشی برای امام از چه زمانی شروع شد؟ و تشخیص علت آن چه بود؟

امام در طول این ۱۰ سال به هیچ‌عنوان هیچ مشکل گوارشی نداشتند ولی به نظر ما همه زخم‌ها و مشکلات گوارشی از زمان امضای قطعنامه برای امام شروع شد. افرادی که امام را می‌شناسند اظهار دارند که امام دروغ نمی‌گفت و لذا وقتی می‌گوید جام زهر نوشیدیم و قطعنامه را امضا کردم یعنی اینقدر این عمل برای امام سخت و سنگین بود.

همچنین در دوره‌هایی برخی از افراد مؤثر نظام به امام فشار می‌آوردند، اما آنها آرامش امام را به هم نمی‌زد. در قضیه آقای

را با امام در میان می‌گذارند. امام خمینی پس از توضیحات تیم پزشکی، عمل جراحی را پذیرفتند، اما تأکید داشتند که برای عمل جراحی به خارج از کشور نمی‌روند و حاضر نیستند زیر تیغ جراح خارجی بروند. پزشکان پرمبنای خواست امام، ایشان را به بیمارستان بقیه‌الله جماران منتقل کردند؛ امام از روز اول خردادماه سال ۱۳۶۸ تا پایان عمر خویش، در بیمارستان بقیه‌الله بستری و تحت مراقبت‌های ویژه پزشکان ایرانی هستند. نکته‌ای که دکتر خوش‌نویس به آن تأکید دارد اینکه امام از سال ۱۳۶۳ تحت مراقبت‌های ویژه قلبی قرار داشتند و در این باره گفته است: «بیمارستانی با همه امکانات در سال ۶۳ آماده می‌شود و از نظر ساختمانی، فیزیکی، فضای فیزیکی، تجهیزات همه به حالت آماده‌به کار قرار داشتند که اگر اتفاقی در خانه برای امام افتاد بلافاصله به ایشان رسیدگی شود. در همه‌خانه امام هم رنگ‌هایی تعبیه شده بود و با فشردن آن بلافاصله تیم پزشکی بالای سر امام حاضر می‌شد. فروردین ماه سال ۶۵ بود که امام داخل منزل‌شان دچار سکنه قلبی و ایست قلبی شدند که بلافاصله یک تیم درمانی عملیات احیا را شروع کردند که موفقیت‌آمیز بود. اگر این بیمارستان و این امکانات آنجا نبود، امام سال ۶۵ از دنیا می‌رفتند.» متن کامل این گفت‌وگو را بخوانید.

منتظری وضع به صورت دیگر بود. من یادم هست که در یک زمانی ایشان آریتمی بسیار زیادی داشتند که ما ماندیم چه اتفاقی افتاده است، ما نمی‌دانستیم چه خبر است؛ و بعد از آن متوجه شدیم که حضرت امام در رابطه با آقای منتظری یک نامه‌ای داده‌اند و این فشارها روی قلب ایشان اثر گذاشت. معمولاً حضرت امام یک ساعت قبل از اذان صبح بیدار می‌شدند، اما در شب‌های عملیات از دو سه ساعت قبل از نماز صبح مشخص بود که امام بیدار هستند و عبادت و دعا می‌کنند. ما می‌دانستیم وقتی آریتمی اتفاق می‌افتد یا استراحت ایشان کم می‌شود فردا یک اتفاقی در راه است.

در طول درمان امام و در زمان حضور شما به‌عنوان کادر درمان ایشان چه ویژگی شخصیتی برای شما قابل توجه بود؟

نظافت حضرت امام خیلی جالب بود، امام همیشه معطر بودند، ما تله‌متری را که برمی‌داشتیم تا تله‌متری دیگری بگذاریم، این تله‌متری تا یکی دو روز دست ما می‌چرخید و ما باو می‌کردیم و خوش بو بود، همیشه پاک و تمیز بودند. یک دفعه پای ایشان قارچ داشت و قرار بود که پای ایشان شست‌ه‌شود، حضرت امام گوشه‌ای روی صندلی نشستند و ما زمین را که تمیز می‌کردیم و پاهایشان را روی وسیله‌ای می‌گذاشتیم و عمل شست‌وشو انجام می‌شد. یک دفعه آقای انصاری آمده بودند و من مشغول شست‌وشوی پای ایشان بودم، لکه‌ای روی پا نظر امام را جلب کرد. ایشان فرمودند: «آقای انصاری این لکه پای من رومی‌بینید؛ اگر به قلب جوان رسیدگی نشود، وقتی پیر بشوند قلب‌شان این‌گونه می‌شود، این‌گونه لکه‌دار می‌شود؛ بنابراین سعی کنید تا جوان هستید به کارهای معنوی خودتان برسید.»

امام بعد از سال ۶۵ چندین بار به بیمارستان مراجعه داشتند ولی چون زمان جنگ بود این خبرها اصلاً پخش نمی‌شد و اکثر قیلم‌هایی که از امام در بیمارستان موجود است مربوط به دوران بستری سال ۶۵ است که امام سرحال است. امام آخرین بار که در بیمارستان بستری شد ساعت ۱۰:۳۰ شب اول خرداد ۶۸ بود. آن شب هم مثل بقیه شب‌ها نماز شب‌شان ترک نشد. فیلمی که موجود است امام درحال نماز که یک کیسه‌خون به دست ایشان است و به کمک دوستان رکوع و سجود انجام می‌دهد مربوط به این زمان است. نماز صبح دوم خرداد ۶۸ آخرین نمازی بود که امام به حالت ایستاده خواندند. بعد از این عمل ایشان در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شدند و اگر دقت کنید در این شرایط تخت امام به

حالت کج در وسط اتاق رو به قبله قرار دارد. ایشان با قرآن مانوس بودند، حتی در خرداد۶۸ که بستری شده بودند و من می‌رفتم خدمت‌شان می‌دیدیم که قرآن و کتاب دعا دست‌شان است و این فعل ایشان ترک نمی‌شد.

توصیه شما در زمینه شناخت حضرت امام(ره) و آشنایی با سلوک و شخصیت ایشان برای جوانان و دانشجویان چیست؟

هرکس می‌خواهد امام را بشناسد حسینه جماران را نظاره کند. کف آن زیلو و دیوارهای آن گچ و خاک است. روزی که امام به حسینه جماران آمدند در و پنجره هم نداشت و درحال ساخت بود. در یک بره‌ای تصمیم گرفته شد که اینجا را مثل بقیه حسینه‌ها سنگ کاری، آینه کاری و گچ کاری کنند. امام بعد از اطلاع از این موضوع بلافاصله خودشان را به روی ایوان حسینه می‌رسانند و سر آینهایی که آنجا کار می‌کند داد می‌زند، می‌گویند: «می‌خواهید برای من کاخ درست کنید؟ می‌خواهید من را شاه کنید؟ من آمده‌ام اندیشه‌ها را بسازم، نیادم کاخ بسازم؛ هر کسی دستور داده که اینجا را سنگ کنید با دست خودش بیاید سنگ‌ها را بکند.»

امام حتی اجازه رنگ کاری و ادامه گچ کاری حسینه را ندادند و فقط به جهت رعایت حال مردم اجازه سنگ کاری قسمت پایینی دیوارها را دادند. زمانی بود که تهران طرف جماران مرتب بمباران می‌شد، یا تهدید به بمباران می‌کردند. در حیات نزدیک منزل امام آمدند یک سنگر درست کردند، سنگر محکم و بزرگی درست کردند و بعد اعلام کردند که قرار است اینجا بمباران بشود. من یادم هست که دکتر پورمقدس آمدند و پیش امام رفتند و البته حاج‌احمد آقا گفته بودند شما بیایید بگویند، چون من هرچه می‌گویم توجهی نمی‌کنند، به امام گفته بودند اوضاع این‌گونه است، شما فعلاً بیایید در سنگر باشید ولی هر کاری کردند امام قبول نکردند.

آخرین لحظه که امام را ملاقات کردید چه روزی بود؟ خاطره‌ای از آن زمان دارید؟

شبی که امام بستری شدند(اول خرداد ۱۳۶۸) با خانواده خیلی خداحافظی عجیبی داشتند. خانواده امام می‌گفتند که ان‌شاءالله مثل دفعه‌های قبل می‌روید عمل می‌کنید و برمی‌گردید، امام می‌گویند: «نه هرچیزی در این دنیا پایانی دارد و این پایان عمر خمینی است.» در ۱۳ و ۱۴ خرداد همه بودیم. لحظه‌های آخر تلخ‌ترین لحظات تیم پزشکی بود. روز قبل رحلت امام یعنی جمعه، ایشان را یک لحظه از بخش مراقبت‌های ویژه به داخل حیاط بردند تا فیلمی گرفته شود و در رسانه‌ها منتشر شود. اما مشکلاتی برای امام پیش آمد و پس از بازگشت قلب امام کامل از کار افتاد. ضربان سازی که از بیرون قلب را اداره می‌کرد برای ایشان استفاده کردند ولی فایده‌ای نداشت. مظلومیت امام آنجا بود که می‌خواستند به مردم بگویند برای امام دعا کنید ولی نمی‌توانستند مستقیم اشاره کنند. اخبار ساعت ۸ شب با دعای «امن یحیی» شروع شد، غیرمستقیم به مردم می‌گفتند که برای امام دعا کنید. همه می‌ترسیدند که مملکت به‌هم بریزد. یکی از دوستان تعریف می‌کرد که من رادیوهای بیگانه را آن شب گوش می‌کردم، شب ۱۴ خرداد تمام رادیوهای بیگانه بدون استثنا می‌گفتند که خمینی در حال مردن است، خمینی که از دنیا برد انقلاب هم از بین می‌رود، خیال‌تان راحت باشد، افسانه خمینی تمام شد. اما شب بعد، شب ۱۴ خرداد که مقام‌معظم رهبری در مجلس خبرگان انتخاب شدند، درحال گوش کردن رادیو بودم، بدون استثنا همه رادیوها می‌گفتند که امروز در ایران یک خمینی جدید متولد شد و ما دیگر نمی‌توانیم با این انقلاب کاری بکنیم.

منبع: نشریه خط امام، خرداد ۱۴۰۱